

Human Dimensions in the Understanding of the Qur'an: Perspectives of Religious Texts

Masoomeh Sadeghi¹

Mohammad Moradi³

MohammadReza HasanZadehTavakoli²

MohammadTaghi Tabik⁴

- 1.PhD student in the Department of Quran and Texts, University of Quran and Hadith, Tehran. (Corresponding Author) sadeghimasoomehl364@gmail.com.

2.Assistant Professor, Islamic Psychology Department, University of Quran and Hadith, Tehran. hasanzadeh.m@qhu.ac.ir.

3.Assistant Professor, Department of Quranic Sciences, University of Quran and Hadith, Qom. moradi_215@yahoo.com.

4.Assistant Professor, Islamic Psychology Department, University of Quran and Hadith, Qom. mtabik@gmail.com.

Orgina Research Received: 2025.12.06 Accepted: 2026.06.16 Keywords: Qur'anic interpretation, human dimensions, thematic analysis, psychological factors, methodological factors.	Abstract: This study addresses the central question of how contemporary scholars conceptualize and evaluate the role of human dimensions in understanding the Qur'an. Adopting a qualitative approach and employing King and Horrocks' method of thematic analysis, the research is positioned as a fundamental, interdisciplinary inquiry. Data were collected through purposive sampling, using the snowball technique, and primarily through semi-structured interviews with leading experts in Qur'anic interpretation and hermeneutics. A total of 42 interviews were conducted, subsequently coded, and thematically analyzed. The process resulted in 49 initial themes, distilled into 26 organizing themes, and ultimately synthesized into two overarching themes. Findings reveal that the factors influencing Qur'anic understanding can be classified into two broad categories: methodological and psychological. The study highlights the significance of human elements as a key dimension in engaging with the Qur'anic text, suggesting that recognizing these factors may open new pathways for advancing research and critically examining their roles in Qur'anic comprehension and interpretation.
Publisher DOI	Iranian Scientific Association for Quranic Studies and Islamic Culture 10.22034/iscw.2026.2075409.1207

عناصر انسانی دخیل در فهم قرآن از نگاه پژوهشگران معاصر

با استفاده از روش تحلیل مضمون

محمد رضا حسن زاده توکلی ۲

معصومه صادقی ۱

محمد تقی تبیک ۴

محمد مرادی ۳

۱. دانشجوی دکتری رشته مدرسی قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران (نویسنده مسئول). sadeghimasoomeh1364@gmail.com ۲. استادیار گروه روانشناسی اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. hasanzadeh.m@qhu.ac.ir ۳. استادیار گروه علوم قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. moradi_215@yahoo.com ۴. استادیار گروه روانشناسی اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. mtabik@gmail.com	
چکیده: عوامل و عناصر مختلفی در فهم و تفسیر قرآن نقش دارند. پژوهش حاضر در پی علل کشف شده، در صدد پاسخ به این پرسش اصلی است که پژوهشگران معاصر، کدام یک از عوامل و عناصر انسانی را در فهم قرآن دخیل می‌دانند؟ با توجه به بنیادی بودن هدف پژوهش، رویکرد کیفی و روش مصاحبه نیمه ساختاریافته انتخاب شد. گستره موضوع این پژوهش میان رشته‌ای و نمونه‌گیری استفاده شده در آن هدفمند و به شیوه گلوله برفی است. در این پژوهش ۴۲ مصاحبه انجام شده است که پس از جمع آوری اطلاعات، کدهای مربوط به مصاحبه‌ها به روش کینگ و هاروکس تحلیل شدند. نتایج این تحلیل، ۴۹ مضمون پایه بود که ۲۶ مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت ۲ مضمون فراگیر تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل انسانی دخیل در فهم قرآن را می‌توان در دو گونهٔ روش‌شناختی و روان‌شناختی جای داد. نتایج این مطالعه، نقش عناصر انسانی دخیل در فهم قرآن را یکی از موارد مهم در فهم آیات هم‌عرض نسبی نشان می‌دهد که می‌تواند دریچه‌ای به سوی پژوهش و آزمون نقش سازه‌های روان‌شناسی کشف شده در فهم و تفسیر قرآن باشد.	صص مقاله علمی پژوهشی دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ کلیدواژه‌ها: فهم قرآن، عناصر انسانی، تحلیل مضمون، عوامل روان‌شناختی، عوامل روش‌شناختی
انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی 10.22034/iscw.2026.2080093.1222	ناشر DOI

۱. مقدمه

فهم قرآن و در معنای عام فهمیدن^۱ فرایندی است که از همه ظرفیت‌های ذهن^۲ به طور هماهنگ بهره می‌گیرد و در همه شکل‌های آن مبنای تفسیر است (وولف، ۱۳۸۶: ص ۷۱۶). در یک نگاه کلی آنچه را که با فهم قرآن در ارتباط است، می‌توان به دو جنبه متنی و فرامتنی تقسیم کرد (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ص ۲۰۵). درباره متن قرآن، اموری چون: قرائت‌های متفاوت، وجوه اعراب، چند معنایی لفظ، احتمال مطلق یا مقید بودن آیه، عام یا خاص بودن حکم آیه، حقیقت یا مجاز بودن لفظ، وجود ضمیر آشکار یا پنهان در لفظ که امکان بیش از یک تعبیر برای آن باشد، اختلاف نظر در منسوخ یا ناسخ بودن آیه؛ وجود محکم و متشابه و بالاخره استنباط صحابی از قول رسول الله (ص) در بیان آیه یا شنیدن و نشنیدن همه گفتار پیامبر (ص) در بیان آیات، قراین حالی و کلامی: مانند شأن نزول‌ها و بستر نزول آیه و زمینه‌های تاریخی آیه، و... اختلافات تفسیری را موجب شده است (الفنيسان، ۱۴۱۸: ص ۵۹-۶۳).

گاهی هم این اختلافات و تفاوت‌ها، فرامتنی است و ناشی از یکی از مهمترین ارکان در فهم قرآن، یعنی تفسیرکننده قرآن است (شاکر، ۱۳۷۹: ص ۴۸) چه بسا این متغیرها در اتخاذ روش و نوع تفسیر یک مفسر نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. با این حساب منظور از عناصر انسانی، آن دست از عوامل و جنبه‌ها و توانمندی‌های ویژه انسانی است که در کنش و رویکرد انسان نقش ایفا می‌کند و مفسر هم از جهت انسانی دارای ظرفیت‌های خاص وجودی است که در رفتار علمی و از جمله تفسیر متن او تأثیر بسزایی دارد.

از این رو شناخت و میزان ارتباط این عوامل با فهم آیات قرآن کریم، یکی از موارد راهگشا در کشف علل گرایش مفسران به مکاتب و روش‌های تفسیری گوناگون است. از همین روست که با نگاهی به تفاسیری که در تفسیر آیات قرآن نگاشته شده، این حقیقت را در می‌یابیم که تفسیرهای ارائه شده یکسان نیستند و مفسران در مکاتب گوناگون، برداشت‌های مختلفی عرضه کرده‌اند. لازم نیست که مقایسه‌ای میان

^۱ Understanding.

^۲ Mind, remembrance.

تفاسیر معتزله، اشاعره، سلفیه و دیگر مذاهب و مکاتب داشته باشیم تا با ذهنیت خاص و نقد مذهبی، این تنوع را ملاحظه کنیم و ریشه اختلاف را تنها در اختلاف مذاهب ببینیم؛ این تفاوت‌ها در تفاسیر شیعه نیز در شکل گسترده آن مشاهده می‌شود (محمدی مظفر، ۱۳۸۹: ص ۶۷). کافی است که به تفاسیر گوناگون فلسفی، عرفانی، ماثور و غیرماثور نظر افکنده شود و گوناگونی برداشت‌های تفسیری ملاحظه گردد، برای نمونه، اگر میان تفاسیر شیخ طوسی (۵۴۰.ق)، طبرسی (۵۴۸.ق)، فیض کاشانی (۵۱۰۹۰.ق)، ملاصدرای شیرازی (۵۱۰۴۵.ق)، علامه طباطبایی (۵۱۴۰۲.ق)، سید محمدحسین فضل الله (۵۱۴۴۲.ق)، صادقی تهرانی (۵۱۴۳۲.ق) و... مقایسه‌ای انجام بگیرد، می‌بینیم دیدگاه‌های مختلفی در تفسیر یک آیه عرضه کرده‌اند؛ در حالی که همگی شیعه هستند و از منبع حدیث اهل بیت استفاده و قواعد و اصول و روش‌های تفسیری را رعایت کرده‌اند. بدین جهت، ما ناگزیریم به عوامل دیگری هم توجه کنیم و آن نقش عوامل روان‌شناختی مفسر در تفسیر قرآن است. باید بپذیریم که فهم آن در گرو یک گروه و تیپ خاص و تنها قائم به لفظ نیست (صفایی حائری، ۱۳۸۵: ص ۴۸)؛ بلکه همواره در پرتو میزان توانمندی‌های ذهن مفسر، فراز و فرود پیدا می‌کند؛ باید اذعان داشت که ویژگی‌های شخصیتی مفسر مانند هوش و مهارت، تجربیات زیستی در فهم، تحلیل و نتیجه‌گیری در تفسیر آیات، و همچنین شرایط خاص روان‌شناختی مفسر، موجب گوناگون شدن تفسیر می‌شود. حال این سؤال اساسی مطرح می‌شود که اساسا کدامیک از این عوامل در تفاوت فهم و برداشت از آیات هم عرض دخیل هستند؟ به عبارتی چه عواملی در نوع تفسیری که مفسر از آیات و گزاره‌های قرآن ارائه می‌دهد، نقش دارند؟

۲. پیشینه

فهم قرآن مقوله‌ای است که از عصر نزول شروع شده و شخص پیامبر اکرم ص، به تعلیم قرآن و بیان معانی و مقاصد آیات کریمه می‌پرداخته است. چنان که خدای متعال می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛ و نازل کردیم بر تو کتاب را تا برای مردم آنچه را بر ایشان فرو فرستاده شده بیان نمائی» (نحل: ۴۴)

«إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقِرَاءَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قِرَاءَتَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» (قیامه: ۱۷-۱۹). ارتباط و نقش علوم و معارف بشری، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری در فهم و تفسیر قرآن مسأله‌ایی است که همواره مورد پرسش و توجه قرآن‌پژوهان واقع شده و به دنبال آن در پژوهش‌ها به آن پرداخته شده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جایگاه معارف و علوم بشری در فهم قرآن از دیدگاه اهل بیت ع عنوان رساله دکتری تخصصی اصغر مهری در دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی است. محقق بر این باور است که رشد تدریجی معارف و علوم بشری، نه تنها حقانیت قرآن و معجزه بودن آن را در علم و معرفت اثبات نموده؛ بلکه در نتیجه تعامل بیشتر ثمراتی همچون رشد روزافزون معارف و علوم بشری، و همچنین فهم و تبیین بهتر آیات قرآنی را به همراه داشته است. وی کوشیده است تا با بررسی روایی سه مسئله نقش هر یک از معارف و علوم بشری در فهم قرآن، نقش این معارف در ارائه معانی طولی و یا عرضی، و قلمرو تأثیر آنها در فهم آیات، تبیین روشنی از جایگاه هر یک از معارف و علوم بشری در فهم قرآن را ارائه نماید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که نوع قطعی و یقینی معارف و علوم بشری، و به‌ویژه انواع چهارگانه شهودی، عقلی، تجربی و ادبی، مرتبه‌ای از فهم وحی الهی بوده که موجب فهم عمیق و وسیع - فهم طولی و عرضی - آیات قرآن می‌شود. به استثنای دانش‌های ادبی که ابزار علمی مفسر برای فهم معنای اولیه همه آیات قرآنی بوده و از این جهت استفاده از این دانش‌ها در فهم همه آیات قرآنی ضرورت داشته، سایر معارف و علوم بشری تنها می‌توانند در زمینه آیات مربوط به قلمرو موضوعی هر علم، نقش آفرینی نموده و دخالت مستقیم این معارف و علوم در حوزه دیگری، امری بی‌ضابطه و از نوع تفسیر به رأی به شمار می‌آید.

نقد و بررسی مبانی و روش‌های جریان‌های ظاهرگرا در فهم قرآن نوشته محمدحسن محمدی مظفر. نویسنده بر آن است که: بررسی ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی از موضوعات حوزه تفسیر متون دینی است و نحله‌های تفسیری هریک به نوعی با مسائل آن دست به گریبان هستند. تشکیکی بودن موضوع ظهور و تأویل و عدم تمایز

معانی و اصطلاحات باعث شده است که گروه‌های مختلف در عین حال که از سوی برخی به ظاهرگرایی نام‌بردار شده‌اند، از سوی برخی دیگر به تأویل‌گرایی شهرت یابند. از سوی دیگر، عدم شفافیت در مبانی تفسیری و روش‌های معتبر تفسیر نزد گروه‌های موسوم به ظاهرگرا نیز بر ابهام در نگرش‌های تفسیری این گروه‌ها افزوده است.

تأثیر معهودات ذهنی مخاطبان اولیه‌ی قرآن در فهم آیات با تأکید بر فهم عرب جاهلی، نوشته‌ی محمد فقیهی رضایی با راهنمایی حمیدرضا مستفید و مشاوره محمدعلی مهدوی‌راد در دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران. مؤلف در این نوشته، به تأثیر معهودات ذهنی مخاطب بر فهم قرآن می‌پردازد.

نقش علائم نگارشی معاصر در فهم آیات قرآن کریم، از شمس‌السادات حسینی، که به کارگیری علائمی که همه فهم و بین‌المللی باشد و شامل تمامی علائم نگارشی شود، را از جمله نیازهای مبرم برای فهم قرآن کریم معرفی می‌کند. وی معتقد است هدف اصلی از کاربرد علائم نگارشی در قرآن کریم، داشتن قرائتی صحیح از آیات و ایجاد فهم و درکی درست از مفاهیم قرآنی و شناخت و تشخیص نوع جملات است. حسینی در رساله خود با دو روش تحلیلی و میدانی به این نتیجه رسیده که کاربرد علائم نگارشی در قرآن کریم نوع جملات سؤال، تعجیبی، انکاری و اعتراضی را برای مخاطب مشخص می‌کند و مخاطب را در تشخیص آغاز و انتهای جملات یاری می‌کند، بدون اینکه به تفسیرها مراجعه کند. در نتیجه کاربرد علائم نگارشی مانند نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، علامت پرسش، تعجب، دو خط فاصله و ... در قرآن کریم، قرائت صحیح و فهم قرآن کریم را برای مخاطبان به ویژه برای عامه‌ی مردم آسانتر می‌کند. تا آن جا که در آیات مربوط به احکام و قوانین الهی، کاربرد علائم نگارشی نقطه، ویرگول و نقطه ویرگول، مفهوم این احکام را نزد مخاطب روشن‌تر می‌کند. استفاده از علائم دو نقطه و گیومه در قصص قرآنی، سبب داشتن درکی درست از داستان قرآنی برای مخاطب می‌شود.

نسبت دین با سیاست و حکومت و اثر آن بر فهم قرآن در دوران معاصر، پژوهشی است که عباس زارع بیدکی آن را انجام داده و در آن به رابطه و نوع نگاه قرآن به

حوزه سیاست و حکومت پرداخته و سپس، میزان تأثیر این نظریات را بر فهم قرآن مشخص کرده است.

موارد فوق و نمونه‌هایی دیگر در بیان ارتباط برخی علوم، مبادی، نگرش‌ها و ابزارها با فهم قرآن، مویده این نکته است که ارتباط فهم قرآن با قابلیت‌های گوناگون، همواره دغدغه ذهنی پژوهشگران در عرصه فهم قرآن می‌باشد. اندیشوران مسلمان به نقش عوامل انسانی و شخصیت مفسر در اختلافات تفسیری و فهم هم‌عرض آیات، ذیل مبحث ابزارهای فهم قرآن توجه کرده‌اند (صدر، ۱۳۷۸، ص ۱۴). البته در دهه اخیر این توجه بیشتر شده است و برخی از این عوامل به صورت پراکنده در پژوهش‌های زیر به چشم می‌خورد که از برجسته‌ترین آن‌ها مقاله تأثیر شخصیت مفسر در تفسیر قرآن، سید محمد علی ایازی (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۹-۴۳) در این زمینه است. در این مقاله، نویسنده از دانسته‌ها، باورها، روحیات، تئوری‌ها، انتظارات و دغدغه‌های اجتماعی و عقدیتی روزگار مفسر یاد کرده است. در رساله جایگاه معارف و علوم بشری در فهم قرآن از دیدگاه اهل بیت، محقق بر این باور است که رشد تدریجی معارف و علوم بشری، نه تنها حقانیت قرآن و معجزه بودن آن را در علم و معرفت اثبات نموده؛ بلکه در نتیجه تعامل بیشتر ثمراتی همچون رشد روزافزون معارف و علوم بشری و همچنین فهم و تبیین بهتر آیات قرآنی را به همراه داشته است (اصغر مهری، ۱۳۹۴، رساله دکتری). پایان‌نامه تأثیر معهودات ذهنی مخاطبان اولیه قرآن در فهم آیات با تأکید بر فهم عرب جاهلی، نوشته محمد فقیهی رضایی با راهنمایی حمیدرضا مستفید و مشاوره محمدعلی مهدوی‌راد در دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، دیگر پیشینه تحقیق پیش روست. مؤلف در این نوشته، به تأثیر معهودات ذهنی مخاطب بر فهم قرآن می‌پردازد. مقاله وجوه روای تأثیر علایق مفسر در تفسیر قرآن، نوشته علی اوسط باقری در نشریه معرفت کلامی، ۱۰، پیاپی ۲۲ از موارد دیگر قابل ذکر است که در آن از علاقه‌های عمومی و یا خاص مفسران و روا و نارواهای آن‌ها سخن رفته است. در پایان نامنه نقد و بررسی مبانی و روش‌های جریان‌های ظاهرگرا در فهم قرآن، این مطلب تأکید دارد که عدم شفافیت در مبانی تفسیری و روش‌های معتبر تفسیر؛ نزد گروه‌های موسوم به ظاهرگرا؛ بر

ابهام در نگرش‌های تفسیری این گروه‌ها افزوده است (محمدی مظفر، ۱۳۸۹). موارد فوق و نمونه‌هایی دیگر در بیان ارتباط برخی علوم، مبادی، نگرش‌ها و ابزارها با فهم قرآن موید این نکته است که ارتباط فهم قرآن با قابلیت‌های گوناگون مفهوم و مفسر متن همواره دغدغه ذهنی پژوهشگران در عرصه فهم قرآن می‌باشد، اما تاکنون به عناصر انسانی دخیل در فهم آیات قرآنی پرداخته نشده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش‌های کیفی معاصر، تحلیل مضمون به عنوان یکی از روش‌های معتبر و نظاممند برای فهم داده‌های متنی شناخته می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۲۵۶-۱۲۴۳). از آنجا که شناسایی عوامل و عناصر انسانی دخیل در فهم قرآن ماهیت اکتشافی میان رشته‌ای و تفسیری داشت و از طرفی موضوع فهم قرآن به طور ذاتی با لایه‌های پیچیده‌ای از ادراک تجربه پیش فرض‌های معرفتی و دیگر عوامل مرتبط با مدرک متن یعنی مفسر پیوند می‌خورد، پس از انجام مصاحبه به روش نیمه ساختار یافته با هدف کشف الگوهای معنایی در داده‌های متنی از روش تحلیل مضمون کینگ و هاروکس که بر پیوند میان توصیف داده تفسیر مفهومی و ساخت شبکه‌ای از مضامین تاکید دارد استفاده شد تا از سطح داده‌های خام به سطح تبیین نظری برسیم (King & Horrocks, 2014, 150). تحلیل مضمون در روش کینگ و هاروکس فرایندی چند مرحله‌ای است که طی آن داده‌های خام حاصل از مصاحبه‌ها به تدریج به کدها مضامین پایه مضامین سازمان دهنده و نهایتاً مضامین فراگیر تبدیل می‌شود (King & Horrocks, 2014, 155). این فرایند نه صرفاً مکانیکی بلکه تفسیری و مبتنی بر تعامل مستمر پژوهشگر با متن است که در این پژوهش بر اساس هدف انتخاب شد. در پژوهش حاضر انجام ۴۲ مصاحبه نیمه ساختار یافته با نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی در پی دستیابی به اشباع نظری بود. در مرحله نخست در روش کینگ و هاروکس برای آشنایی عمیق با داده‌ها پژوهشگر با پیاده سازی کامل مصاحبه‌ها، بازخوانی مکرر و ثبت یادداشت‌های اولیه تحلیلی تلاش کرد تا لایه‌های ضمنی سخنان مشارکت کنندگان را درک کند چرا که عوامل انسانی دخیل در فهم قرآن به صورت مستقیم بیان نشده بودند بلکه در قالب

توصیف تجربه‌های تفسیری پیش فرض‌های معرفتی یا حالات روانی آشکار بودند. پس از این مرحله فرایند کدگذاری توضیحی و نخستین سطح انتزاع از داده‌ها انجام شد که هدف آن توصیف محتوای آشکار داده‌ها بدون ورود گسترده به تفسیر نظری بود. در این سطح عباراتی را که بیانگر یک مفهوم یا تجربه مشخص بود با برچسب‌هایی کوتاه مشخص شد. برای مثال اگر یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرده بود که پیش فرضهای فکری مفسر بر برداشت او از آیات اثر می‌گذارد، این بخش با کد تاثیر پیش فرضها مشخص گردید. در پژوهش حاضر مجموعه این کدهای اولیه بسیار گسترده بودند و سپس طی فرایند پالایش و ادغام به ۴۹ مضمون پایه تبدیل شدند. در این مرحله داده‌ها بیشتر توصیف شدند تا تفسیر و پژوهشگران کوشیدند تا حد امکان به زبان مشارکت‌کنندگان وفادار بمانند و تحمیل مفاهیم نظری از پیش تعیین شده که موجب تقلیل پیچیدگی تجربه‌های تفسیری می‌شود صورت نگیرد. مرحله بعد کدگذاری تفسیری بود که یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز روش کینگ و هاروکس با برخی شیوه‌های صرفاً توصیفی تحلیل مضمون محسوب می‌شود در این مرحله پژوهشگران با گذر از سطح توصیف داده‌ها به کشف روابط معنایی الگوهای پنهان و ساختارهای مفهومی پرداختند برای مثال کدهایی مانند پیش فرضهای کلامی، گرایش‌های مذهبی، تجربه زیسته مفسر و ساختار شخصیتی که در سطح توصیفی مستقل بودند در مرحله تفسیری ذیل مفهومی کلان‌تر قرار کردند. این مضامین سازمان‌دهنده در واقع خوشه‌های مفهومی هستند که میان مضامین پایه پیوند برقرار می‌کنند. در مرحله بعد دو مضمون فراگیر شکل گرفتند که بالاترین سطح انتزاع در تحلیل مضمون محسوب می‌شوند این مضامین فراگیر چهارچوب نظری نهایی پژوهش را تشکیل دادند که عبارتند از عوامل روان‌شناختی فهم قرآن و عوامل روش‌شناختی فهم قرآن (King & Horrocks, 2014, 165).

به منظور گردآوری داده‌ها با رویکرد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ پرسش‌های اساسی با راهنمایی و مشورت جمعی از اساتید مجرب در حوزه فهم و تفسیر قرآن تنظیم گردید. این پرسش‌ها با هدف بررسی دیدگاه متخصصان پیرامون آیاتی که در طول تاریخ تفسیر محل اختلاف نظر بوده‌اند و همچنین عوامل مؤثر بر این اختلافات طراحی شدند.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه مصاحبه‌شوندگان، متخصصان و صاحب نظران حوزه فهم و تفسیر قرآن بودند که ویژگی‌های تعریف شده را دارا باشند. روش نمونه‌گیری نیز ترکیبی از دو روش هدفمند^۲ و گلوله برفی (گال و همکاران، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۳۶۵) است؛ به این صورت که ابتدا ۱۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان بر اساس معیارهای مد نظریه صورت آگاهانه انتخاب شدند و مابقی اساتید با معرفی ایشان که دارای ویژگی‌های معیار بودند انتخاب شدند. در نهایت ۴۸ نفر دارای معیارها بودند که پژوهشگر موفق شد با ۴۲ نفر از آن‌ها مصاحبه انجام دهد.

چگونگی مصاحبه

بر اساس ویژگی‌های فوق چند نفر از اساتید انتخاب شدند، پرسش‌های مصاحبه از طریق ایمیل یا فضای مجازی برای ایشان ارسال گردید و پس از قبول مصاحبه از سوی مصاحبه‌شوندگان محقق با ۳۶ نفر از آنها به صورت حضوری و با ۶ نفر دیگر به صورت غیرحضوری (از طریق تماس تلفنی یا ارتباط آنلاین) مصاحبه انجام داد.

تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در این پژوهش به روش تحلیل مضمون^۳ صورت گرفته و از رویه کینگ و هاروکس (King & Horrocks) بهره برده شده است. این روش مبتنی بر جمع بندی رویه‌های مختلف است. به این شیوه که فایل‌های صوتی یا نوشتاری که با اجازه مصاحبه‌شوندگان جمع‌آوری شده بود، پیاده‌سازی و

¹ Semi-structured interview.

² Purposeful sampling.

³ Theme analysis.

در سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه سازی از طریق مضامین فراگیر به شیوه زیر تحلیل شدند:

مرحله اول کدگذاری توصیفی

این مرحله شامل سه فرایند می‌باشد. اول: مطالعه دقیق و خط به خط. دوم: شناسایی ایده‌ها و مفاهیم محوری. سوم: انتخاب برچسب مناسب و نزدیک. در این فرآیندها پس از مطالعه دقیق و خط به خط مصاحبه‌های پیاده سازی شده، هر واحد معنایی (پاراگراف یا خط) که دارای یک ایده یا مفهوم در راستای فهم عوامل بودند، شناسایی شدند. سپس برای هر کدام از واحدهای معنایی یک برچسب مناسب و نزدیک با همان مطلب بیان شده از سوی مصاحبه‌شوندگان انتخاب شد که در نتیجه منجر به کاهش حجم داده‌ها و نام‌گذاری آنها گردید.

مرحله دوم کدگذاری تفسیری

در این مرحله سه فرایند اجرا شد. اول: مقایسه مداوم کدها (کشف شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روابط). دوم: شناسایی موضوعات مشترک و الگوهای تکرار شونده. سوم: ایجاد کدهای جدید از ترکیب و تجمیع؛ به این شیوه کدهای توصیفی تعریف شده به جهت کشف شباهت‌ها و تفاوت و روابط میان آن‌ها با یکدیگر مقایسه شدند. پس از شناسایی موضوعات مشترک و الگوهای تکرار شونده، کدهای جدیدی از ترکیب و تجمیع کدهای توصیفی مرتبط ایجاد شدند.

مرحله سوم تشکیل مضامین فراگیر

در این مرحله جهت سازماندهی و ادغام کدها به کدهای جامع‌تر سه فرایند طی شد. اول: سازماندهی و ادغام کدهای مفهومی - تفسیری. دوم: گروه بندی کدهای تفسیری با تمرکز بر عوامل و اختلاف آراء. سوم: انتزاع و انتخاب کدهای فراگیر. در نهایت کدهای تفسیری گروه بندی شدند و با انتزاع از این کدها، دو کد فراگیر انتخاب شدند. این دو کد، تصویری کلی از عوامل و موضوعاتی که بسامد اختلاف آراء بودند، نشان می‌دهند.

فرآیند آن در نمودار زیر خلاصه شده است.

۱-۱ نمودار کینگ و هاروکس



۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بیانگر شکل‌گیری مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر بود. مضامین پایه نخستین سطح سازمان یافته معنا در تحلیل مضمون بودند و از تجمع کدهای مشابه به دست آمدند. این مضامین به مفاهیم جزئی و مشخص اشاره داشتند و مستقیماً از متن مصاحبه‌ها استخراج شدند. در پژوهش حاضر ۴۹ مضمون پایه به دست آمدند. در سطح بالاتر مضامین سازمان دهنده که موجب ایجاد انسجام مفهومی میان مضامین پایه بودند از طریق دسته‌بندی و پیوند دادن مضامین پایه استخراج شدند. در این پژوهش ۲۶ مضمون سازمان دهنده حاصل چنین فرایند طبقه‌بندی و انسجام بخشی بود. در نهایت دو مضمون فراگیر به عنوان عالی‌ترین سطح انتظام مفهومی شکل گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد عناصر انسانی دخیل در فهم قرآن را می‌توان در دو ساحت کلان دسته‌بندی کرد. نخست عواملی که به ابزارها دانش‌ها روش‌ها و مبانی معرفتی مفسر مربوط اند و دوم عواملی که به ویژگی‌های روانی شخصیتی هیجانی و تجربی او باز می‌گردند. مضمون فراگیر عوامل

روش‌شناختی بر این اساس شکل گرفت که فهم قرآن امری صرفاً دریافت‌گرایانه نیست بلکه وابسته به چهارچوب‌های دانشی و روش‌های تفسیر است. در این سطح مفاهیمی چون دانش زبانی، مبانی هرمنوتیکی، پیش‌فرض‌های فلسفی، روش‌های تفسیری، نوع نگرش به قرآن و... در شکل‌دهی معنا نقش داشتند. این مضمون فراگیر بیانگر آن است که مفسر بدون ابزار معرفتی خاص قادر به فهم متن نیست و هر روش تفسیری افق معنایی ویژه‌ای ایجاد می‌کند. در مقابل مضمون فراگیر عوامل روان‌شناختی بر این ایده استوار است که فهم قرآن فرایندی کاملاً عینی و خنثی نیست بلکه حالات روانی، ساختار شخصیت، هیجانات، حافظه، انگیزش، تجربیات زیسته و حتی ناخودآگاه مفسر در آن دخالت دارد و نوعی تعامل میان متن و افق وجودی مفسر تلقی می‌شود.

تحلیل الگوهای اصلی و فرعی بخش مصاحبه و مقوله‌های خروجی در جدول زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۱-۱ عوامل موثر در فهم قرآن

مضامین فراگیر	مضامین دهنده	سازمان	مضامین پایه
رویکرد تربیتی	فرهنگی	-	استخراج آموزه‌های تربیتی و فرهنگی از آیات قرآن و ارائه آن‌ها به جامعه
			توجه به فرهنگ، آداب و رسوم و ارزش‌های تربیتی موجود در جامعه
رویکرد کلامی			تکیه بر اصول و مبانی علم کلام (عقاید اسلامی) تبیین و دفاع از عقاید اسلامی در برابر شبهات و تفسیرهای نادرست
رویکرد فقهی			توجه به احکام و مسائل فقهی به تفسیر آیات قرآن استخراج احکام شرعی از آیات قرآن و ارائه آن‌ها به عنوان راهنمای عمل برای مسلمانان

توجه به شرایط تاریخی نزول آیات قرآن	رویکرد تاریخی
فهم دقیق تر معنای آیات و ارتباط آن ها با وقایع و رویدادهای تاریخی	روش شناختی
تکیه بر تجربه های عرفانی و شهودی	رویکرد عرفانی (باطنی)
کشف معانی باطنی و رموزی در آیات قرآن که برای عموم مردم قابل درک نیست.	اشاره شهودی)
استفاده از یافته های علوم تجربی و روش های تحلیلی	رویکرد علمی - تجربی و تحلیلی
تطبیق آیات قرآن با حقایق علمی و اثبات اعجاز علمی قرآن	
تکیه بر روایات و احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت	رویکرد نقلی
فهم صحیح معنای آیات بر اساس سنت نبوی و ائمه اطهار ع	
توجه به مسائل و چالش های اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه	رویکرد اجتماعی و فرهنگی
ارائه راهکارهای قرآنی برای حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی و ارتقای سطح زندگی مردم	
استفاده از اصول و مبانی علم روانشناسی	رویکرد روان شناختی
فهم بهتر انگیزه ها احساسات و رفتارهای انسانی از دیدگاه قرآن و ارائه راهکارهای روان شناختی برای بهبود سلامت روان افراد	
توجه به قواعد زبان عربی، فنون بلاغت و سبک نگارش قرآن	رویکرد ادبی و زبانی
فهم دقیق تر معنای آیات و کشف زیبایی های ادبی و هنری قرآن	
توجه به تجربیات استعماری و تأثیرات آن بر جوامع اسلامی	رویکرد پسااستعماری
نقد رویکردهای استعماری در تفسیر قرآن و ارائه تفسیری رهایی بخش و متناسب با شرایط جوامع پسااستعماری	

دانش پیشین و چارچوب‌های ذهنی جهت سازماندهی و تفسیر اطلاعات جدید	طرحواره‌ها
تجربیات گذشته موثر در فهم مطالب	
مقاومت و پایداری در مواجهه با اطلاعات جدید	
درک و تحلیل عمیق در نتیجه تلاش بیشتر برای فهم	هدف و انتظارات
تلاوت برای دریافت حال خوب	
لزوم تدبیر و توجه در جهت کشف ارتباط آیات و درک عمیق	توجه و تمرکز
احتمال پایین آمدن خطا در تحلیل و تفسیر متن با تمرکز بالا	
بازیابی اطلاعات کلیدی	
حافظه زبان شناسی، واژگان و جملات	روان‌شناختی
تطبیق مفاهیم با شرایط زندگی	
درک و استنباط عمیق مفاهیم همراه با استدلال	
ارزیابی و تحلیل گزاره‌ها	حافظه
فهم و تفسیر بر اساس استقراء یا قیاس	
پرسشگری مستمر و فهم سلسله وار	
تاثیر حالات روحی در کمیت فهم	حالات روحی، عواطف و هیجانات
میزان تلاش برای فهم موضوعات مورد علاقه	انگیزه و علاقه
باور به خود و خودآگاهی در فهم آیات	باور و اعتماد به خود
تاثیر میزان اعتماد به نفس در بیان نظر خود از فهم آیات	
تاثیر خاطرات در ضمیر مفسر به طور ناخودآگاه بر نحوه فهم از یک متن	تجربیات گذشته
جلوگیری تعصبات و پیش‌داوری‌ها از فهم صحیح یک متن	تعصبات پیش‌داوری‌ها
تمایل به فهم و تفسیر به نفع نیازهای بنیادین	غرایز و نیازهای بنیادین

پذیرش دیدگاه‌های	تفاوت در فهم در صورت پذیرش و عدم پذیرش
جدید	دیدگاه‌های جدید
یادگیری اجتماعی	تاثیر تعامل با یکدیگر و شنیدن نظرات هم در مجالس و مباحثات
محیط زبانی و فرهنگی	محیط سنتی و نوین
	محیط علمی و فکری
کهن‌الگوها	توجه و عدم توجه به کهن‌الگوها به طور ناخودآگاه
تجربیات معنوی و روحانی	تجارب احیاگر و عرفانی، برای فهم حقایق قرآن در تهذیب و مراتب بالاتر
تزکیه نفس	



۶. بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های مصاحبه می توان گفت برخی از عوامل اختلاف در فهم و تفسیر آیات می تواند به جهت عوامل روش شناختی یا روان شناختی از جمله ویژگی های شخصیت^۱ مفسر، نحوه برخورد وی با آیات و تجزیه و تحلیل گزاره های قرآنی، حالات روحی و هیجانات،^۲ میزان حقیقت جویی،^۳ اعتماد و باور به خود،^۴ تعصبات^۵ و پیش داوری ها، تجربیات گذشته،^۶ محیط زبانی و فرهنگی، میزان کنجکاوی^۷ در موضوعات، طرحواره های ذهنی^۸ و میزان هوش^۹ وی باشد. رویکردهای ارائه شده در مصاحبه ها به همراه نمونه ایی و به شکل مجزا تحلیل و ارائه می شود:

عوامل روش شناختی

در بخش اول عوامل موثر در فهم قرآن در جدول ۱-۱ یافته ها نشان می دهد که مفسر علاوه بر ابزارهای علمی و دانشی که در اختیار دارد (مثل آشنایی با زبان عربی، علوم بلاغی، تاریخ اسلام و غیره)، مجموعه ای از پیش فرض ها، جهان بینی ها، باورها و حتی اهداف خاص خودش را هم با خود به میدان می آورد. به کارگیری این رویکردهای خودآگاهانه یعنی اینکه مفسر این پیش فرض ها را می شناسد و آگاهانه آن ها را در فرایند تفسیرش به کار می گیرد. به عبارت دیگر، مفسر یک «روش» خاص را برای مواجهه با متن انتخاب می کند و بر اساس آن، آیات را معنا می کند. در نتیجه عواملی که به طور خودآگاه و در قالب روشی معین و به وسیله شخص در فرایند فهم تاثیر داده می شود، رویکردی است که مفسر قرآن فارغ از دانش های مرتبط با تفسیر متن به کار می گیرد. هر یک از این عوامل به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

¹ Personality traits.

² Emotions.

³ Truth-seeking.

⁴ Self-confidence.

⁵ Prejudices.

⁶ Past experiences.

⁷ Curiosity.

⁸ Mental schemas.

⁹ IQ, EQ, SQ.

رویکرد فرهنگی - تربیتی

در این رویکرد هدف اصلی مفسر استخراج آموزه‌های تربیتی و فرهنگی از آیات قرآن و ارائه آن‌ها به جامعه است. در آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳) قرآن کریم بر نیک سخن گفتن با همه مردم، فارغ از دین و نژاد تأکید دارد و این یک اصل تربیتی مهم برای ایجاد جامعه‌ای صلح‌آمیز و همدل است (بحرانی، ج ۱، ص ۲۶۳).

رویکرد کلامی

در این رویکرد مفسر با تکیه بر اصول و مبانی علم کلام (عقاید اسلامی) به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. مثلاً «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱) ردی است بر هرگونه تشبیه و تجسیم خداوند متعال (مفید، ۱۴۲۴، ۴۷۳/۱).

رویکرد فقهی

در این رویکرد مفسر با توجه به احکام و مسائل فقهی به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. (قرطبی، ج ۱۲، ص ۳۰۱).

رویکرد تاریخی

در این رویکرد مفسر با توجه به شرایط تاریخی نزول آیات قرآن به تفسیر آن‌ها می‌پردازد. هدف اصلی، فهم دقیق‌تر معنای آیات و ارتباط آن‌ها با وقایع و رویدادهای تاریخی است. تفسیر آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) با توجه به شأن نزول آن، دلالت بر ولایت و امامت ایشان دارد (طبرسی، ج ۳، ص ۳۲۶).

رویکرد عرفانی (باطنی اشاره شهودی)

در این رویکرد مفسر با تکیه بر تجربه‌های عرفانی و شهودی خود به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. هدف اصلی، کشف معانی باطنی و رموزی در آیات قرآن است که برای عموم مردم قابل درک نیست. تفسیر آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (نور: ۳۵) به این صورت که خداوند نور هستی است و تمام موجودات پرتوی از نور او هستند. این تفسیر فراتر از معنای ظاهری آیه (خداوند هدایت‌کننده آسمان‌ها و زمین است) است و به یک معنای عرفانی و شهودی اشاره دارد (حقی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵۲).

رویکرد علمی - تجربی و تحلیلی

در این رویکرد، مفسر با استفاده از یافته‌های علوم تجربی و روش‌های تحلیلی به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. تفسیر آیه «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا» (فرقان: ۵۳) با توجه به پدیده تلاقی آب‌های شیرین و شور در دریاها (ابن عاشور، ج ۱۹، ص ۷۵).

رویکرد نقلی

در این رویکرد مفسر با تکیه بر روایات و احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. (بحرانی، ج ۴، ص ۴۴۲).

رویکرد اجتماعی و فرهنگی

در این رویکرد مفسر با توجه به مسائل و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. هدف اصلی، ارائه راهکارهای قرآنی برای حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی و ارتقای سطح زندگی مردم است. تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) تأکید بر نقش اراده و عمل انسان در تغییر سرنوشت خود و جامعه دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۲۱۵).

رویکرد روان‌شناختی

در این رویکرد مفسر با استفاده از اصول و مبانی علم روانشناسی به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. هدف اصلی، فهم بهتر انگیزه‌ها، احساسات و رفتارهای انسانی از دیدگاه قرآن و ارائه راهکارهای روان‌شناختی برای بهبود سلامت روان افراد است. مثلاً آیه «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» (یوسف: ۸۷) می‌تواند به عنوان یک اصل روان‌شناختی، برای مقابله با افسردگی و اضطراب مورد استفاده قرار گیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۵۳).

رویکرد ادبی و زبانی

در این رویکرد مفسر با توجه به قواعد زبان عربی، فنون بلاغت و سبک نگارش قرآن به تفسیر آیات می‌پردازد. هدف اصلی، فهم دقیق‌تر معنای آیات و کشف زیبایی‌های

ادبی و هنری قرآن است. بررسی آرایه‌های ادبی (مانند تشبیه، استعاره، جناس و ... در آیات قرآن و تبیین نقش آنها در انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری بر مخاطب.

رویکرد پسااستعماری

در این رویکرد مفسر با توجه به تجربیات استعماری و تأثیرات آن بر جوامع اسلامی به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. هدف اصلی، نقد رویکردهای استعماری در تفسیر قرآن و ارائه تفسیری رهایی‌بخش و متناسب با شرایط جوامع پسااستعماری است. بررسی آیاتی که در مورد عدالت، آزادی و مبارزه با ظلم و ستم سخن می‌گویند و تبیین نقش آنها در مبارزه با استعمار و تحقق استقلال و خودکفایی جوامع اسلامی.

رویکرد تلفیقی

در این رویکرد، مفسر با استفاده از ترکیبی از رویکردهای مختلف تفسیری به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. هدف اصلی، ارائه تفسیری جامع و کامل از آیات قرآن است که از تمام ظرفیت‌های تفسیری موجود بهره می‌برد.

عوامل روان‌شناختی

یافته‌های مصاحبه نشان داد ویژگی‌های روان‌شناختی نقشی بنیادین در شکل‌دهی به نحوه ادراک، تفسیر و حتی پذیرش پیام‌های قرآنی ایفا می‌کند و فرآیند فهم قرآن کریم، یک تعامل پویا و پیچیده بین متن و ذهن مفسر است. ویژگی‌های روان‌شناختی فرد، اعم از ساختارهای شناختی، هیجانات، شخصیت، نیازها و مراحل رشد، به طور اجتناب‌ناپذیری در این فرآیند دخالت کرده و به آن رنگ و بوی خاصی می‌بخشند. اذعان به این حقیقت، نه تنها به ما کمک می‌کند تا تفاسیر مختلف را بهتر درک کنیم، بلکه بر اهمیت خودشناسی و پالایش درونی مفسر نیز تأکید می‌ورزد. فهم عمیق و جامع قرآن، نیازمند خودآگاهی نسبت به این عوامل روان‌شناختی و تلاش برای فراتر رفتن از محدودیت‌های آنهاست تا بتوان به گستره وسیع‌تر و عمیق‌تری از پیام الهی دست یافت. در نتیجه این عوامل به طور ناخودآگاه و فراروشی خود را در فرایند فهم دخالت می‌دهند. این عوامل هسته اصلی فهم عمیق و ابزارهایی هستند که به مفهم

کمک می‌کنند تا متن را فراتر از سطح لغوی درک کند. این عوامل که در جدول ۱-
۱ در بخش دوم یافته‌ها آمده است، به تفکیک تحلیل می‌شود.

دانش پیشین و طرحواره‌ها

دانش پیشین و طرحواره‌ها، چارچوب‌های ذهنی هستند که برای سازماندهی و تفسیر اطلاعات جدید از آنها استفاده می‌شود. هرچه دانش ما در مورد یک موضوع بیشتر باشد، بهتر می‌توانیم اطلاعات جدید مرتبط با آن موضوع را درک کنیم. برای نمونه برای فهم آیه شریفه «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» (آل عمران ۱۴۴) داشتن دانش پیشین در مورد زندگی پیامبران پیشین و سنت الهی در ارسال رسولان ضروری است. علامه طباطبایی در *المیزان* با تکیه بر دانش تاریخی و روایی، این آیه را دلیلی بر لزوم تسلیم در برابر اراده الهی و عدم دلبستگی به حیات دنیوی پیامبر می‌داند.

هدف از تلاوت و انتظارات: هدف از خواندن یک متن، تأثیر زیادی بر نحوه فهم از آن دارد. اگر هدف، تنها کسب اطلاعات سطحی باشد، مُدرک به همان اندازه درگیر متن خواهد شد اما اگر هدف، درک عمیق و تحلیل متن باشد، تلاش بیشتری برای فهم آن خواهد کرد. برای نمونه اگر کسی با هدف یافتن استدلال برای ردّ نبوت پیامبر اسلام (ص) به قرآن مراجعه کند، به احتمال آياتی را برجسته می‌کند که به نظر او دال بر ضعف یا تناقض هستند، در حالی که اگر هدف او فهم پیام الهی باشد، سعی می‌کند آیات را در سیاق کلی قرآن و با توجه به اصول تفسیر صحیح درک کند. امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد تأکید می‌کند که هدف از قرائت قرآن تنها تلاوت الفاظ نیست بلکه تدبر در معانی و عمل به دستورات آن است. (اقتباس: آداب الصلاة، ص ۲۷-۴۵)

توجه و تمرکز: توجه و تمرکز شرط لازم برای فهم هر متنی است. بدون توجه کافی نمی‌توان اطلاعات را به درستی دریافت و پردازش کرد. برای نمونه آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴) به صراحت بر لزوم تدبر در

قرآن و پرهیز از غفلت تأکید می‌کند. مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی، تدبر را به معنای اندیشیدن عمیق و یافتن ارتباط بین آیات مختلف قرآن می‌داند.^۱

حافظه: برای درک یک متن باید بتوان اطلاعات قبلی را به یاد آورد و آن‌ها را با اطلاعات جدید مرتبط کرد. برای نمونه برای فهم آیات مربوط به داستان حضرت یوسف، داشتن حافظه‌ای قوی از کل داستان و ارتباط بین اجزای مختلف آن ضروری است.^۲

حالات روحی، عواطف و هیجانات: حالات روحی، عواطف و هیجانات می‌توانند تأثیر زیادی بر نحوه فهم از یک متن داشته باشند. اگر در فردی، حالت عصبانیت یا غم و اندوه باشد ممکن است نتواند متن را به درستی فهم و درک کند.

برای نمونه کسی که داغدار از دست دادن عزیزی است، ممکن است آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران ۱۸۵) را به عنوان تسلی بخش و یادآور ناپایداری دنیا درک کند. در حالی که کسی که در اوج خوشی و سرمستی است، ممکن است از این آیه غافل شود. عارفان و صوفیان، حالات روحی و عواطف را ابزاری برای درک عمیق‌تر معانی باطنی قرآن می‌دانند.

انگیزه و علاقه: انگیزه و علاقه نقش مهمی در میزان تلاش برای فهم یک متن دارد. برای نمونه کسی که به تاریخ صدر اسلام علاقه دارد با انگیزه بیشتری به سراغ آیات مربوط به جنگ‌ها و فتوحات مسلمانان می‌رود و سعی می‌کند آن‌ها را به طور دقیق درک کند.

باور و اعتماد به خود: باور و اعتماد به خود نقش مهمی در توانایی برای فهم یک متن دارد. این باور درونی که فرد قادر به درک، تجزیه و تحلیل و استخراج معنا از محتوای متنی است، مستقیماً بر فرایندهای شناختی درگیر در خواندن تأثیر می‌گذارد. هنگامی که یک خواننده با اعتماد به نفس بالا به متنی نزدیک می‌شود، احتمال بیشتری دارد که از استراتژی‌های پردازش اطلاعات عمیق‌تر و کارآمدتری

^۱ شاخصه‌های سلامت روان در سوره مبارکه لقمان، ص ۱۰۸. ر.ک: مقاله

^۲ شفاهی بودن قرآن و تأکید بر حفظ آیات قرآن جهت دسترسی شبکه‌ای به آیات و در کنار هم قرار دادن آن‌ها نیز می‌تواند گونه‌ای از نقش حافظه در فهم به صورت‌تغییر مستقیم تلقی شود.

مانند تفکر انتقادی، ربط دادن اطلاعات جدید به دانش قبلی، و بازبینی فعال درک خود استفاده کند. در مقابل، فقدان اعتماد به نفس می‌تواند منجر به اضطراب خواندن، اجتناب از متون پیچیده، و اتخاذ استراتژی‌های سطحی مانند صرفاً روخوانی بدون درک عمیق شود. این پدیده نه تنها بر سرعت و دقت فهم تأثیر می‌گذارد، بلکه ظرفیت حافظه کاری را نیز تحت فشار قرار می‌دهد، زیرا انرژی شناختی به جای پردازش محتوا صرف نگرانی‌ها و تردیدهای درونی می‌شود. بنابراین، پرورش خودباوری در زمینه‌ی خواندن، یک عامل کلیدی برای دستیابی به فهم عمیق و مؤثر متون در هر سطح و حوزه‌ای محسوب می‌شود و به طور مستقیم بر کیفیت یادگیری و اکتساب دانش تأثیر می‌گذارد.

تجربیات گذشته و خاطرات ناخودآگاه در ضمیر مفسر: تجربیات گذشته و خاطرات ناخودآگاه می‌توانند به طور ناخودآگاه بر نحوه فهم از یک متن تأثیر بگذارند. برای نمونه کسی که در کودکی تجربه سختی از خشونت داشته، ممکن است آیات مربوط به جهاد و قتال را به گونه‌ای متفاوت از کسی درک کند که زندگی آرامی داشته است.

تعصبات و پیش‌داوری‌ها: تعصبات و پیش‌داوری‌ها می‌توانند مانع از فهم صحیح یک متن شوند. اگر با پیش‌داوری به سراغ یک متن برویم، ممکن است فقط به دنبال شواهدی باشیم که پیش‌داوری ما را تأیید کنند. برای نمونه کسی که از پیش نسبت به یک مذهب یا گروه خاص تعصب داشته باشد ممکن است، آیات مربوط به آن‌ها را به گونه‌ای تفسیر کند که تعصب او را تأیید کند.

غرایز و نیازهای بنیادین: غرایز و نیازهای بنیادین می‌توانند به طور ناخودآگاه بر نحوه فهم از یک متن تأثیر بگذارند. برخی از مفسران بر این باورند که قرآن به نیازهای فطری و غریزی انسان پاسخ می‌دهد و راهی برای ارضای صحیح آن‌ها ارائه می‌کند. برای نمونه کسی که نیاز شدیدی به امنیت و آرامش دارد ممکن است، آیاتی را که به وعده بهشت و امنیت در آخرت اشاره دارند، برجسته کند.

پذیرش دیدگاه‌های جدید: توانایی پذیرش دیدگاه‌های جدید، شرط لازم برای فهم عمیق هر متنی است. این افراد همواره در تلاش بوده‌اند تا با ارائه تفاسیر جدید و

نوآورانه از قرآن، دریچه‌های جدیدی به سوی فهم آن بگشایند و به درک معانی عمیق‌تر دست یابند.

یادگیری اجتماعی: انسان‌ها می‌توانند از طریق تعامل با یکدیگر و شنیدن نظرات هم، درک خود را از یک متن، عمیق‌تر کنند. مجالس تفسیر قرآن و مباحثات علمی، فرصتی برای یادگیری اجتماعی و تبادل نظر در مورد معانی قرآن فراهم می‌کند. برای نمونه کسی که در یک خانواده مذهبی و یا به صورت پیوسته در جلسات بیان مطالب قرآنی حضور داشته، ممکن است آیات قرآن را به گونه‌ای متفاوت از کسی درک کند که در یک خانواده غیرمذهبی بزرگ شده است.

محیط زبانی و فرهنگی (محیط سنتی و نوین یا محیط علمی و فکری): زبانی که با آن صحبت می‌کنیم، فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم و محیط علمی و فکری که در آن قرار داریم، همگی بر نحوه درک ما از یک متن تأثیر می‌گذارند. مفسران همواره به تفاوت‌های زبانی و فرهنگی در تفسیر قرآن توجه داشته‌اند و سعی کرده‌اند تا تفسیری متناسب با شرایط زمان و مکان ارائه دهند. برای نمونه کسی که در یک محیط سنتی و مذهبی زندگی می‌کند، ممکن است آیات قرآن را به گونه‌ای متفاوت از کسی درک کند که در یک محیط مدرن و سکولار زندگی می‌کند.

کهن‌الگوها: الگوهای ناخودآگاه و جهان‌شمولی هستند که در اسطوره‌ها افسانه‌ها و هنرها یافت می‌شوند. این الگوها می‌توانند به طور ناخودآگاه بر نحوه فهم ما از یک متن تأثیر بگذارند. برخی از عرفا و روانشناسان بر این باورند که قرآن حاوی کهن‌الگوهای فراوانی است که می‌توانند به درک عمیق‌تر معانی آن کمک کنند. برای نمونه داستان حضرت آدمع و حوا(س) در قرآن، می‌تواند به عنوان یک کهن‌الگوی هبوط و بازگشت به سوی خداوند درک شود.

تجربیات معنوی و روحانی تهذیب و تزکیه نفس: تجربیات معنوی و روحانی، تهذیب و تزکیه نفس می‌توانند دریچه‌ای به سوی فهم عمیق‌تر معانی باطنی قرآن باشند. بسیاری از علمای اخلاق و عرفان باورمندند که تهذیب نفس و تزکیه باطن، شرط لازم برای فهم حقایق قرآن است. برای نمونه کسی که تجربه حضور قلب در

نماز و ارتباط با خداوند را داشته باشد، ممکن است آیات مربوط به عبادت و ذکر خدا را به گونه‌ای متفاوت از کسی درک کند که چنین تجربه‌ای نداشته است.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل مضمون کینگ و هاروکس نشان می‌دهد که فهم قرآن فرایندی صرفاً زبانی یا مبتنی بر دانش‌های بیرونی نیست بلکه پدیده‌ای پیچیده، چند لایه و متأثر از تعامل میان ساختارهای معرفتی و ویژگی‌های روانشناختی مفسر است. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که فرایند فهم قرآن، در بستر دو دسته کلان از عوامل انسانی شکل می‌گیرد. عوامل روش‌شناختی و عوامل روان‌شناختی. این دو دسته در قالب مضامین فراگیر پژوهش چهارچوب نهایی تبیین فهم قرآن را تشکیل داده‌اند. بر اساس تحلیل مضامین، عوامل روش‌شناختی ناظر به مجموعه ابزارها، مبانی و چهارچوب‌های معرفتی هستند که مفسر از طریق آنها به متن قرآن نزدیک می‌شود. این عوامل شامل دانش‌های زبانی، مبانی هرمنوتیکی، روش‌های تفسیری، اصول استنباط و نظام‌های معرفتی اند که جهت و شیوه مواجهه با متن را تعیین می‌کنند. در واقع این دسته از عوامل مشخص می‌سازند که مفسر چگونه متن را می‌فهمد و از چه الگوهایی برای کشف معنا استفاده می‌کند. از منظر تحلیل مضمون این عوامل از طریق تجمیع مضامین پایه مرتبط با دانش تفسیری، تحلیل منطقی، انسجام مفهومی و روش‌های استدلالی در قالب مضامین سازمان دهنده دسته‌بندی شده‌اند و نهایتاً مضمون فراگیر عوامل روش‌شناختی فهم قرآن را شکل دادند. در مقابل عوامل روانشناختی به ابعاد درونی و ذهنی مفسر مربوط می‌شوند عواملی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در نحوه ادراک تحلیل و تفسیر آیات نقش دارند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی‌هایی همچون پیش دانسته‌های ذهنی، هیجانات، باورها، تجرب زیسته، ساختار شخصیت، حافظه، مهارت تفکر و توانایی‌های شناختی بر فرایند فهم تاثیرگذارند. این عوامل تعیین می‌کنند که چه کسی متن را تفسیر می‌کند و با چه افق ذهنی و روانی سراغ آیات می‌رود. به همین دلیل فهم قرآن را نمی‌توان فرایندی کاملاً خنثی و فارغ از ویژگی‌های فردی مفسر دانست. تحلیل مضامین نشان داد که این عوامل روانشناختی همچون لایه‌ای پنهان در سطح خودآگاه مفسر عمل می‌کنند و در برخی موارد می‌توانند سبب تغییر در برداشت از متن یا تفاوت در شیوه‌های

استنباط شوند. مفسر در مواجهه با یک متن واحد به دلیل تفاوت در ساختارهای ذهنی و روانی ممکن است به برداشت‌های متفاوتی دست یابد. این مسئله در تحلیل مضمون از طریق مضامین پایه‌ای نظیر تاثیر پیش فرض ها، نقش هیجانات، انعطاف شناختی، خودآگاهی تفسیری و توانایی تحلیل منطقی آشکار شد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که مفسرانی که از نظر نظم، قدرت تحلیل و انسجام ذهنی بالاتری برخوردارند در فهم و تفسیر آیات نیز عملکرد دقیق‌تر و استدلال محورتری دارند. چنین افرادی در مواجهه با آیات صرفاً به دریافت‌های شهودی یا تطبیق‌های سطحی اکتفا نمی‌کنند بلکه می‌کوشند از طریق تحلیل منطقی، ارزیابی استدلال‌ها و بررسی پیوندهای مفهومی آیات به فهمی منسجم و روشمند دست یابند. از منظر تحلیل مضمون این ویژگی‌ها در قالب مضامین سازمان دهنده‌ای مانند تفکر انتقادی، توانایی تحلیل استدلال، خودبازاندیشی و ارزیابی منطقی معنا شناسایی شدند. بر این اساس مفسر برخوردار از مهارت‌های شناختی و تفکر انتقادی پیش از پذیرش یا تطبیق یک ایده با آیات قرآن آن را مورد ارزیابی و پرسش قرار می‌دهد. چنین مفسری می‌تواند روابط منطقی میان آیات را تشخیص دهد، ناسازگاری‌های احتمالی در استدلال را شناسایی کند و میان شهود شخصی و استنباط علمی تمایز قائل شود. بنابراین فهم قرآن نه صرفاً محصول دانش تفسیری بلکه حاصل تعامل میان روش، ذهن، تجربه و توانایی‌های شناختی مفسر است. در مجموع نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل مضمون کینگ و هاروکس توانسته است ساختار پیچیده عوامل انسانی دخیل در فهم قرآن را در سه سطح مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر آشکار سازد. این ساختار تحلیلی نشان می‌دهد که فهم قرآن فرایندی پویا و چند بعدیست که در آن عوامل روش‌شناختی و روان‌شناختی به صورت همزمان و تعاملی عمل می‌کنند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، (محمد مهدی فولادوند، مترجم).
- ۱. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر من التفسیر*. فرهنگ نشر نو.
- ۲. ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۸). *تأثیر شخصیت مفسر در تفسیر قرآن*. صحیفه مبین، ۲(۲)، ۹-۴۳.
- ۳. بابایی، مظهر؛ احمدی قرنی، رؤیا (۱۴۰۳). *اسلام شناسی و قرآن پژوهی در جهان معاصر*، ۳(۲)، ۹۵-۱۲۷.
- ۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۷۳). *البرهان فی تفسیر القرآن*. مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
- ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. مرکز نشر اسوه.
- ۶. حقی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). *روح البیان*. دارالفکر.
- ۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۸. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۵). *تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن*. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۹. شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۹). *ریشه یابی اختلافات تفسیری*. صحیفه مبین، ۲۳، ۶۷-۴۵.
- ۱۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۷۷). *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*. مکتبه محمد الصادقی الطهرانی.
- ۱۱. صدر، سید موسی (۱۳۷۸). *فهم قرآن از دیدگاه شهید مطهری*. پژوهشهای قرآنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۵(۱۷)، ۱۲-۲۹.
- ۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن الکریم* (محمد خواجوی، مصحح). بیدار.
- ۱۳. صفایی حائری، علی (۱۳۸۵). *روش برداشت از قرآن*. لیلۃ القدر.
- ۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۵۲). *المیزان*. موسسه اعلمی للمطبوعات.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. دارالمعرفه.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن* (احمد حبیب عاملی، مصحح). داراحیاء التراث العربی.
۱۷. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*. دارالملاک للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۸. الفنیسان، سعود بن عبدالله (۱۴۱۸ق). *اختلاف المفسرین أسبابه و آثاره*. داراشبیلیا.
۱۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۳). *الصادق فی تفسیر القرآن* (حسین اعلمی، مصحح). مکتبه الصدر.
۲۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. ناصر خسرو.
۲۱. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی* (احمد رضا نصر، حمید رضا عریضی، محمود ابوالقاسمی و دیگران، مترجمان). سمت.
۲۲. محمدی مظفر، محمد حسن (۱۳۸۹). *نقد و بررسی مبانی و روش‌های جریان‌های ظاهرگرا در فهم قرآن*، [پایان نامه دکتری، دانشگاه قم]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
۲۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۲۴ق). *تفسیر القرآن المجید*. دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۴). *آداب الصلاة*. عروج.
۲۵. مهدوی راد، محمد علی؛ احمدزاده، مصطفی (۱۳۹۴). *امکان فهم قرآن*. مشکات، ۹۴، ۲۸-۷.
۲۶. مهری، اصغر (۱۳۹۴). *جایگاه معارف و علوم بشری در فهم قرآن از دیدگاه اهل بیت*، [پایان نامه دکتری، دانشگاه قم]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
۲۷. میرزایی، خلیل (۱۳۹۵). *کیفی پژوهی*. فوزان.

۲۸. وولف، دیوید ام (۱۳۹۳). *روان شناسی دین* (محمد دهقانی، مترجم). رشد.

29. King, N., & Horrocks, C. (2019). *Discourse and Content Analysis*. Cambridge University Press.

References

1. Ibn Ashur, M. T. (1420 A.H.). *Al-Tahrir wa al-Tanwir min al-Tafsir*. Farhang-e Nashr-e Now.
2. Ayazi, S. M. A. (1378 SH). The influence of the exegete's personality on the interpretation of the Qur'an. *Sahifeh-ye Mobin*, 2(2), 9–43.
3. Babaei, M., & Ahmadi Ghareni, R. (1403 SH). Islamic studies and Qur'anic research in the contemporary world, 3(2), 95–127.
4. Bahrani, H. B. S. (1373 SH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*. Bonyad-e Be'that.
5. Javadi Amoli, A. (1378 SH). *Tafsir-e Mowzoo 'i-ye Qur'an-e Karim*. Markaz-e Nashr-e Osveh.
6. Haqqi, I. B. M. (n.d.). *Ruh al-Bayan*. Dar al-Fikr.
7. Rezaei Esfahani, M. A. (1387 SH). *Tafsir-e Qur'an-e Mehr*. Pajooresh-haye Tafsir va Olum-e Qur'an.
8. Sa'idi Roshan, M. B. (1385 SH). *Tahlil-e Zaban-e Qur'an va Ravesh-shenasi-ye Fahm-e An*. Research Institute for Islamic Culture and Thought.
9. Shaker, M. K. (1379 SH). Rooting the interpretative differences. *Sahifeh-ye Mobin*, 23, 45–67.
10. Sadeqi Tehrani, M. (1377 SH). *Al-Balagh fi Tafsir al-Qur'an bil-Qur'an*. Maktabat Muhammad al-Sadeqi al-Tehrani.
11. Sadr, S. M. (1378 SH). Understanding the Qur'an from the perspective of Shahid Motahhari. *Pazhoohesh-haye Qur'ani*, 5(17), 12–29.
12. Sadr al-Din Shirazi, M. B. I. (1419 A.H.). *Tafsir al-Qur'an al-Karim* (M. Khajavi, Ed.). Bidar.
13. Safaei Haeri, A. (1385 SH). *Ravesh-e Bardasht az Qur'an*. Leylat al-Qadr.
14. Tabataba'i, M. H. (1352 SH). *Al-Mizan*. Mo'assese-ye Alami lil-Matbu'at.
15. Tabarsi, F. B. H. (1367 SH). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Dar al-Ma'rifah.
16. Tusi, M. B. H. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an* (A. Habib Ameli, Ed.). Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
17. Fadlallah, M. H. (1419 A.H.). *Tafsir Min Wahi al-Qur'an*. Dar al-Malak.
18. Al-Fannisan, S. B. A. (1418 A.H.). *Ikhtilaf al-Mufasssirin: Asbabuhu wa Atharuhu*. Dar Ashbiliya.

19. Fayd Kashani, M. B. S. M. (1373 SH). *Al-Safi fi Tafsir al-Qur'an* (H. Alami, Ed.). Maktabat al-Sadr.
20. Qurtubi, M. B. A. (1364 SH). *Al-Jami' li-Ahkam al-Qur'an*. Naser Khosrow.
21. Gall, M., Borg, W., & Gall, J. (1396 SH). *Educational Research: An Introduction* (A. R. Nasr, H. R. A'rezi, M. Abolghasemi et al., Trans.). Samt.
22. Mohammadi Mozaffar, M. H. (1389 SH). *A critical study of the foundations and methods of literalist movements in understanding the Qur'an* [Doctoral dissertation, University of Qom]. Iranian Research Institute for Information Science and Technology (Ganj).
23. Mufid, M. B. M. (1424 A.H.). *Tafsir al-Qur'an al-Majid*. Daftar-e Tablighat-e Eslami.
24. Musavi Khomeini, R. (1394 SH). *Adab al-Salat*. Orouj.
25. Mahdavi Rad, M. A., & Ahmadzadeh, M. (1394 SH). The possibility of understanding the Qur'an. *Meshkat*, 94, 7–28.
26. Mehri, A. (1394 SH). *The status of human knowledge and sciences in understanding the Qur'an from the perspective of the Ahl al-Bayt (AS)* [Doctoral dissertation, University of Qom]. Iranian Research Institute for Information Science and Technology (Ganj).
27. Mirzaei, Kh. (1395 SH). *Keyfi-Pazhuhi*. Foujan.
28. Wolfe, D. M. (1393 SH). *Psychology of Religion* (M. Dehghani, Trans.). Roshd.